



رفتار با کودکان

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

اول کودکان: برخورد پدران و مادران با کودکان باید چگونه باشد، یا بر اساس چه اصولی باید استوار باشد؟

بخش پنجم

که در تعلیم و تربیت کودکان چه از طرف کلیسا، حوزه های اسلامی، پدر و مادر و مسئولین مدراس به کار گرفته می‌شده است. هر چند هنوز هم در بخش بزرگی از جهان هم پدر و مادران و معلمین از تنبیه بدنی کودک استفاده می‌کنند، اما سالهاست در تعداد زیادی از کشورهای جهان، تنبیه بدنی کودک جرم شناخته شده است و هیچ کس حق کتک زدن کودک را به هیچ بهانه ای ندارد. در اکثر کشورهای اروپایی، تنبیه بدنی کودک جرم بزرگی محسوب می‌شود و تنبیه کننده چه پدر و مادر کودک باشند و چه معلمین کودک به دادگاه سپرده می‌شوند. اما متأسفانه هنوز هم پدر و مادرانی هستند که کودک خود را تنبیه بدنی می‌کنند. همچنین در مدارس هم این اتفاق می‌افتد، بخصوص در مدارس مذهبی. در چند سال اخیر، تنبیه بدنی در مدارس اسلامی در کشور سوئد، توجه عموم را به خود جلب کرده است. و مسئولین این مدارس زیر فشار هستند. در ایران متأسفانه این امر ظاهراً عادی است و کودکان بسیاری زیر تنبیه های وحشیانه پدر و مادر از بین می‌روند.

چرا تنبیه بدنی؟ کسانی که از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند تاریخ وسیله ای بوده است

خواننده عزیز برای اطلاع شما که تازه به صفوف خواننده گان اول کودکان پیوسته اید و چهار شماره پیش را مطالعه نکرده اید، توضیح مختصری در باره جواب سؤال می‌دهم. من در چهار شماره پیش به بخشی از این سؤال جواب دادم. بر ویژه گی منحصر به فرد هر کودک تاکید کردم، اهمیت رابطه دو طرفه با کودکانمان را توضیح دادم، و نقش مهم تخیل را در رشد کودکانمان شرح دادم. به بازی و نقش آن در رشد شخصیت کودکان پرداختم. در این شماره نشریه به تنبیه می‌پردازم. وقتی از تنبیه صحبت به میان می‌آید، معمولاً شنونده به تنبیه بدنی فکر می‌کند. اما تنبیه کودک فقط در تنبیه بدنی خلاصه نمی‌شود. تنبیه روانی کودک و تهدید کودک به گروهان گرفتن پول توجیبی، اجازه بیرون رفتن، انواع تنبیه روانی کودک است که نه تنها دست کمی از تنبیه بدنی ندارد بلکه ضربات آن بر رشد سالم کودک بسیار وحشتناکتر است. من در این شماره به تنبیه بدنی می‌پردازم و در شماره آینده در باره تنبیه روانی کودک صحبت خواهم کرد.

تنبیه بدنی کودک در طول تاریخ وسیله ای بوده است

ممنوعیت کار کودکان فوراً!

آمار سازمان ملل خود نشان دهنده عمق فاجعه است. طبق این آمار تعداد پسران مشغول بکار از تعداد دختران بیشتر است در حالی که میلیونها دختری که در خانه و یا مزارع کار میکنند و یا بچه داری و یا فرشبافی میکنند و این فعالیتشان کار محسوب نمیشود و دستمزدی نمیگیرند، جزو این آمار بحساب نمیآید. تعداد دختران مشغول بکار بسیار بیشتر از پسران است هم به دلیل فرودستی زن در جامعه و هم به دلیل جنسیت دختر بودنشان. وضعیت دخترانی که به شکل بردگی



امیر توکلی

در اجتماعی زندگی می‌کنیم که دهها میلیون از کودکانش را مجبور به کار برای لقمه نانی می‌کند. کارهایی سخت و طولانی که جسم و روح کودک را بیرحمانه مورد تعرض قرار میدهد. کار در کارخانه ها، مزارع،



در مشاغلی چون خدمتکار خانگی کار میکنند و شبها الزاما در خانه کارفرما میخوابند و مورد تعرض و آزار جنسی قرار میگیرند بسیار وحشتناک است. کودکان دختر بیشتر از پسران مورد

صفحه ۲

کارگاهها، پادوئی، خدمتکاری، فروشندگی، آجرزیرها و غیره. بنا به آمار سازمان ملل ۲۵۰ میلیون کودک در سراسر جهان مشغول بکار هستند. اما این آمار فقط بخشی از واقعیت است، هرچند همین

بیاد

شهریار میرزایی عزیز

امیر توکلی

او دانش آموز یکی از مدارس شهرستان قروه بود. او تنها ۱۲ سال داشت. اما چنان تحت فشارهای روحی قرار گرفته بود که بندرت در جوامع امروزی کودکان دچارش میشوند. روز پنجشنبه گذشته او خود را در منزلشان حلق آویز می‌کند. تجدیدی در درس ریاضی علت خودکشی عنوان شده است. شهریار زمانی که والدینش در منزل نبودند خود را حلق آویز کرده بود. این خبر باید جامعه ای را تکان دهد. باید توجه ها بطرف سیستم آموزش و پرورش جلب گردد. این چگونه آموزش و پرورش است که کودکانش را در این مسیر قرار میدهد؟ هنوز خبر کشته شدن مزدک خدادادیان پخش نشده است که خبر خودکشی شهریار ۱۲ ساله زیر چاپ می‌رود. و هنوز در ماتم این دو عزیز هستیم که جنایتکاران اسلامی علی ۱۶ ساله را میخواهند به دار بکشند. آخر کدام نظام حکومتی اینگونه آشکارا با کودکان چنین برخورد میکند و اسم خود را دولت و صاحب

صفحه ۲

از اعدام علی، دانش آموز شانزده ساله

جلوگیری کنیم!

شده است میگوید: «من و میلاد از انتظامات دبیرستان بودیم. صبح آتروز مزدک دیرتر از همه دانش آموزان به مدرسه رسید و مجبور شدیم او را برای دقایقی

صفحه ۳

ساله بر اثر اصابت چاقوی دانش آموز دیگری مجروح میشود. مزدک، دانش آموز زخمی بعد از انتقال به بیمارستان متأسفانه کشته میشود. علی که متهم به قتل مزدک

اعدام جوان شانزده ساله ای در شرف جریان است. ماجرا از این قرار است که: در پی مشاجره ای در یکی از دبیرستانهای کرج در سال ۸۱، یکی از دانش آموزان بنام مزدک خدادادیان شانزده

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

ادامه

ممنوعیت کار کودکان فوراً!

غیرقانونی بودن کار نیست. کودکان در قبال کاری که انجام میدهند بسیار کمتر از دیگران دستمزد دریافت میکنند و یا ماهها دستمزدی



ها حذف میشود. غنیمی فرد در جایی میگوید: «در بازدیدی از کارگاه بلورسازی کودکانی را دیدم که مواد مذاب را به انواع ظروف بلوری تبدیل میکردند. در حالی که این محل برای کارگران بالغ هم زیان آور و سخت است.» اینان مسبب ایجاد جمعی هستند که در آن کودکان ما باید برای لقمه نانی از همان ۵ سالگی کار شاق و طاقت فرسایی را انجام دهند که بقول آقای وزیر حتی برای کارگران بالغ نیز زیان آور است. این جامعه ای که این آقایان ساخته اند شایسته انسان نیست، این بربریت را نباید بپذیریم. باید به هر شکل ممکن برای ممنوعیت کار کودکان تلاش کنیم. جامعه باید تامین کننده نیازهای همه افرادش و در درجه اول کودکانش باشد. هیچ کودکی نباید از سر فقر و گرسنگی کار کند.

زندگی انسانی کودکان باید مقدم بر هر مصلحتی باشد. این امر حیاتی بدون تلاش و جانفشانی انسانهای بشردوست ممکن نیست.

معدن. کودکان به دلیل ضعیف بودن بدنشان سریعتر آسیب می بینند و از طرف دیگر قادر به اعتراض به وضعشان نیستند. کار کودکان در نظام سرمایه داری سود سرشاری برای طبقه انگل جامعه یعنی سرمایه داران در بر دارد. سرمایه داران کنترل آسانتری بر کودکان کارگر دارند، آگاهی کمتر کودکان از حقوق خود به کارگیری آنها را مقرون به صرفه میکند. کارفرمایان می توانند براحتی کودکان را استخدام و یا اخراج کنند زیرا امکان شکایت از کارفرما در شرایط

نمیگیرند. دولتها اما نه تنها در قبال کار کودکان مرجعی مسئول نیستند و برای ریشه کن کردن کار کودکان برنامه ای ندارند بلکه خود سازمانده و ایجاد کننده نظمی هستند که کودکان را به کارمزدی و بردگی وامیدارد. دولت جمهوری اسلامی از معدود دولتهای ضد بشری است که رسماً در رسانه هایش و در روزنامه هایش کار کودکان را تأیید و آنرا تشبیت میکند. هادی غنیمی فرد رئیس خانه صنعت و معدن میگوید: «کار کودکان، معضل جهانی است و ایران نیز با آن مواجه است. ممنوع کردن کار کودکان، گرسنگی را به دنبال دارد.» دو هفته قبل نیز هادی معتمدی گفته بود که: به هیچ وجه نباید در پی جمعآوری کودکان خیابانی باشیم چرا که در صورت جمعآوری آنها یکی از منابع درآمد خانواده

بهره کشی جنسی قرار میگیرند و تعداد قابل توجهی در سنین پائین به ایدز مبتلا شده اند. سازمان بهداشت جهانی گزارش میدهد که فشارهای روانی و پیری زودرس و افسردگی و احساس درد و عدم اعتماد به نفس نشانه های عادی در میان مستخدمان خانگی کم سن و سال است. حوادثی که برای کودکان در سرکار اتفاق میافتد بسیار بیشتر از بزرگسالان است. کودکان قادر به مواظبت از خود نیستند بخصوص در رشته هایی چون مواد شیمیایی و



پیش فروش نوزادان در بیمارستانهای تهران

ایلنا: نوزادان تازه متولد شده در بیمارستانهای تهران خرید و فروش میشوند. دلان و واسطه ها، پس از شناسایی نوزادانیکه ناخواسته و یا نامشروع به دنیا میآیند، اقدام به خرید و فروش آنان در بیمارستانها می کنند. در برخی از بیمارستانها دلان، با پرداخت مخارج بیمارستان به زنان باردار، به عنوان پیش قسط، نوزادان را پیش خرید کرده و پس نوزادان خریداری شده را با قیمت کلان به زوجهای نابارور میفروشند.

معصومه پ مامای ۳۰ ساله یکی از بیمارستانهای تهران میگوید: برخی از دختران جوان فریب خورده چون برای سقط جنین به پزشک دسترسی ندارند و با راه های سقط جنین هم آشنا نیستند، روزهای نزدیک به زایمان به بیمارستان مراجعه می کنند. دلان به این دختران پیشنهاد می کنند به ازای پرداخت هزینه های بیمارستان آنان را از شر بچه خلاص کنند. خانواده این دختران اکثراً از وضعیت آنان با خبر نیستند. این دختران بدون اعضای خانواده و تنها به بیمارستان مراجعه میکنند، از آن گذشته برخی از این دختران حتی دو، سه ماه قبل از زایمان در خارج از خانه بسر می برند و اغلب آنان بعد از زایمان از بیمارستان میگریزند.

فصلنامه «آبی» به سردبیری آذر مدرسی بزودی پخش میشود، «آبی» را میتوانید از طریق آدرسهای «اول کودکان» سفارش دهید.

سردبیر

هفته نامه

«اول کودکان»

امیر توکلی

tel:

00 358 405 821 776

e.mail:

tavakoli@hotmail.com

مسئول مرکز پخش:

شهلا خباززاده

aval_kodakan1@yahoo.de

shahla-xabazzade@t-online.de

رئیس

کمپین بین المللی دفاع

از حقوق کودکان

«اول کودکان»

ثریا شهابی

tel:

00 44 7 981 343 101

e.mail

soraya_shahabi@yahoo.com

Main Office:

Chair Person,

Soraya Shahabi

CF, BM Box 1919

London WC1N3XX

England

Tel: 44-798 134 3101

Fax: 1-413-639-1602

تلویزیون اول کودکان

در کانال جدید

Satellite: Telstar 12

Center Frequency:

12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization:

Horizontal

اول کودکان

دوشنبه ها منتشر میشود

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

ادامه

از اعدام علی، دانش آموز شانزده ساله جلوگیری کنیم!

نگه داریم، او می گفت در نیمه راه متوجه شده است که جا مددایش را در منزل جا گذاشته و وقتی به خانه رفته و برگشته دیر به مدرسه رسیده است. اما میلاد حرفهایش را قبول نمی کرد و اصرار داشت باید مزدک را پیش ناظم ببریم. من در کنار او ماندم و میلاد ناظم را مطلع کرد، بعد از گذشت دقایقی من و میلاد به کلاسمان رفتیم و مزدک به اتاق ناظم رفت در زنگ تفریح در راه پله مدرسه بار دیگر مزدک را دیدیم، از ما خواست که بعد از پایان مدرسه جلوی در منتظرش باشیم. مزدک را روی پله ها دیدیم که شروع به مشاخره لفظی با ما کرد، یکباره مشاخره شروع شد. مزدک مثنی به صورتم زد که عینکم افتاد. برای ترساندن او چاقویی را که همراه داشتم از جیبم در آوردم تا مزدک را بترسانم. چاقو را از چند روز قبل در جیبم گذاشته بودم چون یک هفته قبل چند پسر بزرگسال با چاقو به من حمله کرده بودند و پولهایم را برداشتند و فرار کردند. از آنروز به بعد برای دفاع از خودم از یکی از دوستانم چاقویی را گرفته بودم. برای ترساندن مزدک چند بار چاقو را حواله اش کردم و نفهمیدم چطور شد یک ضربه به بدنش خورد در آن لحظه اراده یی از خودم نداشتم تا اینکه با سرو صدای دانش آموزان دیگر به خودم آمدم و متوجه شدم که مزدک زخمی شده است.»

دادگاه ویژه جرایم اطفال کرج علی را به اعدام و میلاد را به ۳ سال زندان محکوم کرده است. در رسیدگی نهایی دیوان عالی کشور نیز حکم اعدام علی را تایید کرده است و علی در آستانه اعدام قرار دارد. همه میدانند که آموزش و پرورش و اداره مدارس ایران بیشتر به پادگانهای نظامی جمهوری اسلامی شبیه است تا جایی که کودکان می آیند تا با فراغ خاطر بیاموزند، شاد باشند و خلاقیتهای خود را گسترش دهند. مدارس در ایران مرکزی برای کنترل، سرکوب و شکنجه است. علی ها و میلادها را وامیدارند تا بجای کمک و همفکری با دانش آموزان دیگر آنها را به ناظم که وظیفه اش توهین و کتک کاری دانش آموزان است معرفی کنند. جامعه را آنچنان ناامن کرده اند که کودکان برای دفاع از خود باید چاقو حمل کنند. و بالاخره دولتی جنایتکار که قربانیان نظام کثیف اش را به بهانه اجرای عدالت اعدام میکند.

متأسفانه مزدک در میان ما نیست اما علی را دیگر نمی گذاریم جمهوری اسلامی با طرح و نقشه بکشد. مردم! به جمهوری اسلامی اعتراض کنید! و خواهان آزادی فوری علی و میلاد شوید! کسانی که باید در این پرونده قتل محاکمه شوند، جمهوری اسلامی و اده آموزش و پرورش اش است!

حکم اعدام علی فوراً باید لغو گردد!

دفتر مرکزی اول کودکان

۱ جولای ۲۰۰۴ - ۱۱ تیر ۸۳

ادامه

من خسته شدم!

شده مکرراً جواب سر بالا و یک نواخت می داد: ما چند تا خواهر و برادریم، مدرسه می ریم، با پدر و مادرمان آمدم برای کار آنهاهی که چند کتاب درسی کنار محل کسب خود می گذارند، وانمود به درس خواندن می کنند و از ترس، جواب درستی نمی دهند. اما وقتی به عمق فاجعه توجه می کردم خوشحالم معنایی نداشت، حال به گوشه ای از واقعیت پی برده ام. برای الهه و امثال او چه کاری میشود کرد؟ متأسفانه یکی، دو تا نیستن، شاید اگر این نزاع و کتک کاری بین این چند کودک رخ نمی داد و الهه از فرط خشم و عصبانیت حقیقت را نمی گفت هرگز حتی همین مختصر مطلب را هم نمی فهمیدم. هنوز که هنوز است نگاه دو چشم معصوم الهه قدم به قدم با من همراهند، هنوز صدایش در گوش هایم زنده است که می گفت: خسته می شم.

تلخیص از «خبرنامه کودکان شماره ۸۰»

ادامه

رفتار با کودکان

کنند. کودکان را نفهم و حرف گوش نکن می پندارند که باید برای آموزش روش زندگی و علم و دانش، آنان را تنبیه بدنی کرد که بهتر توجه کنند و یاد بگیرند. من یادم هست که دوران مدرسه، اکثر معلمین ما یک "چوب فلک" مخصوص داشتند که کودکان خاطی که بازگوش بودند و به خسته کننده ترین روزه خوانی آنان توجه نمی کردند را تنبیه می کردند. کف دست و کف پا، محل اصابت وحشیانه ترین ضربات "چوب فلک" بود. کودکان موجودات نفهم و وحشی هستند که باید تربیت شوند. این هسته اصلی فلسفه کسانی هستند که معتقدند باید کودک را تنبیه کرد. این درک یکی از ضد انسانی ترین و ضد کودک ترین، فلسفه بافی هایی است که از سوی قدرت های عقب مانده جامعه و عمدتاً مذهبی مورد دفاع و استفاده قرار می گیرد. یکی از بحثهای مهمی که حول تنبیه بدنی در جریان است، این است که چه تنبیهی، تنبیه بدنی شمرده می شود. آیا نواختن یک سیلی آرام، بیخ گوش کودک، پیچاندن گوش کودک، نیشگون گرفتن کودک، تکان دادن کودک، هم جزء تنبیه بدنی محسوب می شود. تحقیقات پزشکی تأیید می کند که کودک از همه این نوع تنبیه های ساده بدنی، آسیب جسمی جبران ناپذیری می بیند. پاره شدن مویرگهای سر کودک و خونریزی داخلی مغز، بر اثر تکان دادن شدید کودک، خیلی معمولی است و هر روزه بیمارستانهای اروپا با این نوع کودکان آسیب دیده مواجه می شوند. هر ضربه ای به کودک ولو آرام، ولو بی خطر، تنبیه بدنی

محسوب می شود و باید در سراسر دنیا ممنوع شود.

تنبیه بدنی شایسته کودکان ما نیست، عملی انسانی نیست. کودکانی که تنبیه بدنی می شوند، اعتماد به نفس خود را از دست می دهند. به جای دوست داشتن و عشق ورزیدن به دیگران، نفرت را یاد می گیرند. به دیگران نمی توانند اعتماد کنند. کودکانی که آزار و اذیت می شود، یاد می گیرد که از آزار و اذیت دیگران لذت ببرد. این یک دروغ بزرگ است که کودکان با تهدید،

کتک و دیسپلین سخت بهتر یاد می گیرند. حتی کودکی که بهتر از دیگران یک علم را با این روش یاد بگیرد، یک بعدی است و آسیب پذیر تر است از کودکانی که در فضای آزاد و با عشق و محبت آموزش می بینند. باید کودک را با عشق و محبت بزرگ کرد. کودک در فضایی آرام و پر از محبت بهتر رشد می کند، بهتر یاد می گیرد، انسانی تر فکر می کند. همانطور که در بالا آمد، بحث تنبیه را در هفته آینده با فوکوس روی تنبیه روانی، ادامه می دهیم.

ادامه

بیانیه حقوق جهانشمول کودکان

از آنجایی که تبعیض نسبت به کودکان و بهانه برای محروم کردن آنها از حقوق خود، غالباً جزئی از روش و سنن رایج تعلیم و تربیت کودکان است، لذا تأکید میشود که برخورداری کودکان از تمام مفاد این بیانیه مشروط و مقید به هیچ شرطی و از جمله شرط تطبیق کودک با الگوهای رایج رفتاری، میزان اطاعت و فرمانبرداری و درجه انضباط پذیری، و "خلافکاری و درستکاری" کودک نیست.

تعلقات ملی و مذهبی، اخلاقی، قومی و فرهنگی سرپرستان، نزدیکان، و مرییان، بعلاوه ایدئولوژی حاکم برجامعه، نمی تواند مانعی در برخورداری همه کودکان از تمام مفاد این بیانیه شود.

کودکان نیازهای پایه ای یکسانی دارند و باید تماماً در چهارچوب این بیانیه، توسط جامعه تأمین شود. با این وجود کودکان به خاطر تفاوت هایی در چگونگی رشد، رسایی و نارسایی های فیزیکی و روحی، و سایر تفاوت های فردی، نیازهای فردی متفاوتی دارند. توجه به نیازهای فردی هر کودک، برآورده کردن آنها بر طبق منفعت مستقیم هر کودک، اصلی خدشه ناپذیر است. در چگونگی اجرای مفاد این بیانیه، علاوه بر نیازهای عمومی کودکان، برآورده شدن نیازهای فردی کودکان، باید مد نظر قرار گیرد.

آییننامه ها، مقررات و قوانین اجرائی برای تأمین و تضمین اجرای مفاد این بیانیه، باید توسط نهادهای مربوطه قانون گذاری و اجرایی، مقرر و تدوین شود.

هیچ قانون، سیاست و مقرراتی در جامعه نمیتواند حقوق و بندهای این بیانیه را نقض کند. هیچ فرد یا بخشی از کودکان را نمیتوان از هیچ یک از حقوق این بیانیه محروم کرد یا مورد تبعیض قرار داد. دولت و ارگانهای اداره جامعه موظف به تضمین تحقق این حقوق و بندهای این بیانیه هستند.

ادامه در شماره بعد

ما منتظر اخبار، مقالات، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان



Children First

www.childrenfirstinternational.org Nr: 5 05.07.2004 Weekly of the Children First

بیانیه حقوق جهانشمول کودکان



از اول کودکان
پیش نویس اولیه برای
ارائه به کنفرانس سوم
اول کودکان
تهیه شده توسط:
ثریا شهابی
۱۱ ژوئن ۲۰۰۴

واقعیت بعلاوه همواره امکان
تعرض به حقوق کودکان را
فراهم میکند. کودکان
شهروندان آسیب پذیر همه
جوامع اند. تعرض
سیستماتیک، و دائمی به
کودکان در اشکال و ابعاد
مختلف، توسط دولتها،
موسسات آموزشی و مراکز
نگهداری از کودکان، والدین
و سرپرستان، به جزئی از
زندگی کودکان در دنیای
معاصر تبدیل شده است.

این واقعیات وجود یک بیانیه
حقوق جهانشمول، که بتواند
بدون قید و شرط، شامل
همه کودکان شود و قطب
نمای تشخیص و تضمین
زندگی و رشد و پرورش سالم
آنها باشد را الزامی میکند.

حقوق پایه ای کودکان

مواد زیر حقوق جهانشمول و
انکار ناپذیر همه کودکان است.
کودکان مستقل از جنسیت،
نژاد و رنگ، طبقه اجتماعی،
فرهنگ و موقعیت
خانوادگی، ملیت و قومیت،
زبان، و میزان ثروت و دارایی
و درآمد خانواده، جغرافیای
محل زیست، ایدئولوژی حاکم،
و اعم اینکه داخل یا خارج
از ازدواج بدنیا آمده باشند،
مستقل از میزان توانایی و
یا عدم توانایی جسمی و
روانی، همه در مقابل این
حقوق برابرند و باید از همه
حقوق این بیانیه به یکسان
برخوردار شوند.

صفحه ۳

مقدمه

رفتار هر جامعه با کودکان
مهمترین محک ازریایی درجه
انسانی بودن و آزاد بودن
آن جامعه است. کودکان مقدم
اند، بر هر چیزی، بر هر
ملاحظه و منفعت ملی،
اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژی
و مذهبی. «از بیانیه تاسیس
اول کودکان، نوامبر ۱۹۹۹»

با توجه به این واقعیت که
هیچ کودکی بدون دخالت،
مراقبت، و سرپرستی
بزرگسالان امکان ادامه
زندگی نخواهد داشت، با در
نظر داشتن اینکه وجود پدر
و مادر بیولوژیک، یا غیر
بیولوژیک، افراد و
سرپرستان خصوصی، و
نهادهای اجتماعی و دولتی،
برای نگاهداری و مراقبت
از کودکان ابتدایی ترین شرط
ادامه حیات و رشد کودکان
است، و باتوجه به این
واقعیت که کودک امکان
دفاع از خود و احقاق حقوق
خود را ندارد، منافع کودکان
باید مقدم بر هر منفعتی در
خانواده و در جامعه قرار
داده شود.

وابستگی کودکان به
بزرگسالان، فقدان توانایی
دفاع فیزیکی و روانی
کودکان از خود، و عدم امکان
دسترسی به امکانات زیستی
و رفاهی، کودکان و
بزرگسالان را در دو موقعیت
نا برابر قرار میدهد. این

من خسته شدم!

مستاجر آقا تیموریم، مامانم
برای آقا تیمور غذا درست
میکند خواهر و برادر داری؟
بله اونا چی، با تو کار می
کنند؟ نه از من خیلی
کوچکترن هر روز چه وقتی
از خونه تون میای بیرون و
کی بر می گردی خونه؟ از
ساعت پنج صبح حرکت می
کنیم ساعت ۱۰ شب هم میاد
دنبالمون می ریم خانه این
کارو دوست داری؟ نه ،
خسته میشم می خوام پول
جمع کنم بزرگ شدم دیگه
اینجا نمونم کجا می ری؟

مرا بیشتر متوجه خود کرد،
تمام حرکاتش را زیر نظر
داشتم تا اینکه خیلی تصادفی
صندلی کنار من خالی شد،
نشستم، زیر زبان چیزهایی با
خود می گفت دقیق تر که
شدم به دوستان همراهش بد
و بیراه می گفت و آنقدر
غرق در نزاع و خشم بود که
گویا کاسی را فراموش کرده
بود. تصمیم گرفتم سر صحبت
را با او باز کنم:
سلام خانم، اسمت چیه؟ الهه
چی شده، چقدر ناراحتی؟
هیچی اونا دوستان هستن؟

ضلع غربی میدان بهارستان،
همین شهر خودمان تهران، در
کنار هیاهوی رفت و آمد
ماشینها و ازدحام جمعی از
رهگذران نزاع و کتک کاری
چند کودک با ظاهری به هم
ریخته و نامرتب در گوشه ی
ایستگاه اتوبوس توجه مرا به
خود جلب کرد. نزدیکتر شدم
متوجه شدم دعوا بر سر یک
مشتری بود. تا می توانستد
به یکدیگر لگد میزدند و
لباسهای همدیگر را می
کشیدند اتوبوس آمد، با همان
وضعیت به اتفاق دیگر



کودکان عکاس: بیت ایران نژاد

حالا که معلو نیست. از این
که او به من اطمینان پیدا
کرده بود خرسند بودم ازش
خواستم عکسش را بگیرم که
با صدای بلند مخالفت کرد،
دوستاش هم فمیدند به من
اعتراض کردند عکس نگیری
ها و با یکدیگر به پیچ پیچ
افتادند گویا از نزاع چند
دقیقه پیش خبری نبود نخواستم
اعتماد آن دخترک را به خودم
از بین ببرم در واقع از اینکه
بعد از یک مدت طولانی،
جواب سوالاتم یافته بودم
خوشحال بودم
پرسش هایی که از هر کودک
خیابانی می پرسیدم مثل یک
نوار کاست پر صفحه ۴

نه، با هم کار می کنیم اگه
دوستات نیستن، چطور با هم
کار می کنید؟ آقا تیمور گفته
با هم کار کنیم آقا تیمور کیه؟
صاحب کار ماست ما براش
کار می کنیم. چند سالتنه،
مگه مدرسه نمی ری این
ساعت روز داری کار می کنی؟
۸ سالمه، نه بابا نمی رم،
اصلا دوست ندارم درس بخونم.
پس حتما خونه تون همین
طرف هاست، اینجا کار می
کنی؟ نه خانم جون، خونه مون
اسلامشهره. چقدر دور، چطور
اینجا میای؟ با ماشین آقا
تیمور می یاییم.
مامان وبابات چی؟ اونا هم
کار می کنن؟ آقام که مرده،

مسافران وارد اتوبوس شدیم.
غرغر کودکانه اشان همچنان
ادامه داشت. دخترک آدامس
فروش با داد و بیدادهاش
اعتراض مسافران اتوبوس را
برانگیخته بود. آنها کودکان
کار و خیابان بودند. کودکانی
که با فروش چسب زخم، باتری
و آدامس بخر، ارزان میفروشم،
تو را به خدا از من چیزی
بخر. و برای اینکه چیزی به
مردم بفروشد آنقدر خودشان
را به لباس این و آن آویزن
می کردند که بالاخره یا چیزی
از آنها می خریدند یا بعضی
ها از شدت عصبانیت و کلافه
گی به عقب هولشان میدادند!
در آن بین رفتار آن دخترک

ممنوعیت خشونت جسمی و روانی کودکان